

مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، سال چهل و ششم، شماره پیاپی ۹۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۷۱-۱۴۹

راه های ایالات غرب خراسان به سوی نیشابور مقارن ورود امام رضا (ع) به خراسان*

دکتر حمید رضا ثنائی / استادیار تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد^۱
دکتر علی غفرانی / دانشیار تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد^۲

چکیده

نیشابور در دوره اسلامی بر سر راه های ارتباطی شرق و غرب واقع بود و بخش عمده ای از اهمیت سیاسی و رونق اقتصادی خود را وامدار این جایگاه جغرافیایی خاص بود. هر کاروانی که قصد گذر از شرق به غرب یا بالعکس داشت، ناگزیر باید از این شهر می گذشت. در گذر از ایالات فارس و جبال به شرق ایران دو راه عمده به نیشابور می رسید؛ راه قهستان و راه قومس. مسیر کاروان امام رضا (ع) به سوی مرو از این دو طریق تنها از نیشابور می گذشته است. علیرغم شواهد و قراینی ناچیز و غیر قانع کننده درباره عزیمت کاروان رضوی به نیشابور از طریق قومس، به نظر می رسد این کاروان راه فارس - قهستان را طی کرده است.

نگارندگان در پژوهش حاضر تلاش دارند پس از شرح مختصری از موقعیت خاص جغرافیایی شهر نیشابور در دوره اسلامی، در وهله نخست راه های ایالات واقع در غرب خراسان و به طور مشخص، ایالات جبال، فارس و گرگان به سوی نیشابور را نشان داده، آنگاه در پی پاسخ به این پرسش برآیند که کدامیک از دو راه اصلی فارس و جبال به سوی نیشابور در حدود اواخر سده ۲ق و اوایل سده ۳ق پر رفت و آمدتر بوده است؟ ورود امام رضا (ع) به نیشابور در سال ۲۰۰ق در همین محدوده زمانی جای می گیرد. بررسی حاضر تا حدودی از رونق نسبی رفت و آمد در راه قهستان نسبت به راه قومس در این زمان حکایت دارد؛ رونق نسبی همان راهی که امام رضا (ع) از طریق آن به نیشابور وارد شد.

کلید واژه ها: امام رضا (ع)، نیشابور، شاهراه خراسان، ایالت قهستان، ایالت قومس، راه های ارتباطی.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۰۶/۰۲؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۴/۰۲/۲۹

۱. Email: hr.sanaei@um.ac.ir

۲. Email: sjdmu529@um.ac.ir

مقدمه

رفت و آمد میان شرق و غرب از عهد باستان وجود داشته است که مهم‌ترین انگیزه آن تجارت بود. همچنین لشکرکشی سپاهیان و فعالیت‌های هیأت‌های سیاسی و تبشیری و در دوره اسلامی حج و «سیر در زمین» نیز از دیگر انگیزه‌های سفر بود. رفت و آمد در سرتاسر شرق و غرب شبکه‌ای از راه‌های ارتباطی را به وجود آورده بود. راه‌های ارتباطی در دوره اسلامی در سوی غربی، به نول‌کته و سِجِل‌ماسه در مغرب اقصی و در سوی شرقی، به شهرهای بزرگ سغد و ترکستان مانند سمرقند و چاچ می‌رسید (میکل، ۲۰۰۱). همچنین مبادلات تجاری را با ترکان و خزران و سرزمین اسلاوها و جنوب روسیه و کشورهای اروپای شرقی (ناجی، ۳۱۲) در سطحی گسترده برقرار می‌کرد. یکی از راه‌های بغداد به سوی چین شاهراهی بود که از مهم‌ترین شهرهای میانه آن، همدان، ری، نیشابور، مرو و سمرقند را می‌توان نام برد (نک: متز، ۲۳۰/۲؛ بارتولد، ۵۰-۵۱؛ لافون و رابینو، ۱۱).

بر سر راهی که بغداد و دیگر شهرهای عراق، بزرگ‌ترین مراکز مصرف در جهان اسلام را به ماوراءالنهر و شرق آن می‌پیوست، شهرهای خراسان جای داشتند که سود سرشاری را از نقش واسطه‌ای خود در تجارت می‌بردند (باسورث، ۱۴۹). در نتیجه رفت و آمد کاروان‌های تجاری، شهرهای واقع در میانه راه‌ها آباد شده و به مراکز مهم داد و ستد بدل شدند (ناجی، ۳۱۳). باسورث^۲ در پاسخ به این پرسش که چرا خست طبیعت در خراسان نتوانست مانع پیشرفت شود، موقعیت خاص جغرافیایی خراسان را مطرح کرده است (باسورث، ۱۴۶). نیشابور و برخی از شهرهای نواحی آن نیز به واسطه قرار گرفتن بر سر این راه از تجارتی پر-رونق برخوردار بودند و بدین واسطه، شهرنشینی در آن‌ها رونق داشت؛ از این رو، ارتباط معنا-داری را میان راه‌ها و خط شکل‌گیری شهرها می‌توان مشاهده کرد. این شهرها نه تنها شکل‌گیری بلکه رونق و بقای خود را در طول این سده‌ها نیز وامدار رونق تجارت در این راه‌ها بودند. خسروگرد و سبزواری، دو قصبه بی‌هقی در همین مسیر جای داشتند (مقدسی، ۳۱۸).^۳

۱. برگرفته از عبارت «سیروا فی الأرض» در آیات ۱۳۷ آل عمران، ۱۱ سوره انعام، ۳۶ نحل و ...

۲. Bosworth

۳. همچنین در طرف شرقی نیشابور در میانه راه نیشابور به سوی مرو شهر کوچک نوقان بازاری قابل ذکر داشت (مقدسی، ۳۱۹). اهمیت نوقان و سناباد پس از سده ۴ق تنها به علت قرار گرفتن بر سر این راه بود (بختیاری شهری، ۱۷۰). در راه جنوبی نیشابور به طرف اصفهان، فارس و کرمان نیز ترشیز واقع بود که در سده ۴ق بازاری داشت (مقدسی، ۳۱۸).

سه راه عمده از ایالات غربی خراسان، ایالات فارس، جبال و گرگان به نیشابور می‌رسید. راه‌های فارس و جبال از دو طریق ایالت قومس و ایالت قهستان بدین شهر می‌رسید. راه گرگان به سوی نیشابور در سده‌های نخستین هجری تا حدودی اهمیت داشته است؛ ولی همپایه اهمیت راه‌های فارس و جبال به سوی این شهر نبوده است. به نظر می‌رسد اهمیت دو راه یاد شده قهستان و قومس نیز یکسان نبوده است.

یکی از سؤالات مطرح در سفر امام رضا (ع) به خراسان آن است که کاروان رضوی در عزیمت از ایالت فارس به سوی خراسان از طریق کدام مسیر به نیشابور رسیده است. قرآینی به ویژه وجود قدمگاه‌های متعدد در مبادی ورودی کویر مرکزی ایران، یزد و ناین، و آبادی‌ها و شهرهای بر سر راه‌های منتهی بدین مبادی مانند شهر ابرقو گذر این کاروان را از راه قهستان تایید می‌کند.

با نظر به راه‌های ایالات جبال و فارس به سوی نیشابور، مساله‌ای که در این جا می‌توان طرح کرد آن است که در سده‌های نخستین از جمله در زمان سفر امام رضا (ع) به خراسان کدام مسیر از دو راه یاد شده اهمیت و رفت و آمد بیشتری داشته است.

۱- موقعیت جغرافیایی نیشابور در سده‌های نخستین هجری

جایگاه خاص جغرافیایی نیشابور در سده‌های نخستین هجری آن را به «بارانداز^۱ فارس و سند و کرمان و جایگاه کالاهای آخوارزم و ری و گرگان» (مقدسی، ۳۱۵) یعنی نواحی جنوبی و شمالی و غربی بدل ساخته بود. به نوشته یاقوت، هیچ کاروانی نمی‌توانست بدون ورود به شهر نیشابور به طرف غرب یا شرق گذر کند. او این موقعیت جغرافیایی را عامل بازگشت آبادانی شهر پس از ویرانی ناشی از فتنه غزان (۵۴۸ق) دانسته است: «... تا این که دوباره به آبادترین و بهترین و پرخیرترین، پرجمعیت‌ترین و ثروتمندترین سرزمین‌های خداوند تبدیل شد؛ چرا که دهلیز مشرق بود و قافله‌ها ناگزیر باید بدان وارد می‌شدند» (یاقوت، ۳۳۲/۵). وی نیشابور را در میان شهرهایی که در سفرش دیده، بهترین شمرده است (همان، ۳۳۱/۵) و این با توجه به شدت ویرانی‌های شهر ناشی از فتنه غز و حوادثی که در پی آن رخ داد، تا حدودی صحت

۱. فُرُضَة.

۲. مَطْرَح.

ادعای یاقوت را مبنی بر این که موقعیت شهر عامل آبادانی آن بوده، تایید می‌کند. بدین گونه کسی که در مسیر خود به سوی غرب یا شرق، قصد گذر از نیشابور نداشت، تنها راه‌های فرعی را باید برمی‌گزید. طالبان علم و علمادر مواردی نه چندان فراوان، از راه‌های فرعی می‌گذشتند تا مشایخ و محافل علمی شهرهای بیشتری را در راه حج یا رحله خود درک کنند. ابو-العباس هروی محدث (د. ۴۱۹ق) به قصد رسیدن به مدینه به جای برگزیدن راه‌های قهستان به سوی اصفهان و فارس و یا راه قومس به سوی ری، از هرات به سوی گرگان رفت (فارسی، ۴۸). گاهی سپاهیان نیز مانند طالبان علم و حدیث از راه‌های فرعی می‌گذشتند. ویلکینسون^۲ درباره موقعیت جغرافیایی نیشابور می‌نویسد: «این زمین باریک بسیار حاصلخیز که کوه‌ها از سمت شمال و بیابان از سمت جنوب آن را محدود کرده‌اند، زمان درازی به عنوان یک گذرگاه برای مردم، بازرگانان، سپاهیان و سایر مسافران [شمرده می‌شد] که بین آسیای صغیر و بین‌النهرین در غرب و ترکستان، سغد و هند و چین در شرق در رفت و آمد بودند ... البته این تنها مسیر نبود و جاده دیگری در شمال کوه‌های نیشابور قرار داشت، اما تاریخ نشان داده است مسیری که از نیشابور عبور می‌کرد، اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته است» (ویلکینسون، ۴۶). این موقعیت جغرافیایی - چنانکه اشاره شد - نیشابور را بارانداز فارس، سند، کرمان، خوارزم، ری و گرگان ساخته بود.

۲- راه‌های ایالات فارس و جبال به نیشابور از طریق ایالت قومس

راه ایالت فارس به سوی نیشابور نخست به اصفهان (برای اسامی منازل میان فارس تا اصفهان نک: ابن خردادبه، ۵۸) و سپس قم^۳ و ری (برای اسامی منازل میان اصفهان تا ری نک: اصطخری، ۲۲۹ - ۲۳۱؛ ابن حوقل، ۴۰۳ - ۴۰۴) واقع در ایالت جبال می‌رسید و پس از گذراز شهر دامغان واقع در ایالت قومس تا نیشابور امتداد می‌یافت (برای دیدن اسامی منازل از ری تا نیشابور نک: اصطخری، ۲۱۵-۲۱۶). این راه مانند راه گرگان به دروازه قباب نیشابور می‌رسید (همو، ۲۵۵؛ ابن حوقل، ۴۳۲). راه فارس - خراسان از طریق ایالت قومس در شهر ری با

۱. سمعانی در *الأنساب* (۶۳۷/۵) ضبط «هروی» را برخلاف وجه متداول عامیانه (به کسر هاء)، به فتح هاء دانسته است.

۲. Wilkinson.

۳. حسن بن محمد قمی یکی از راه‌های قم را «راه خراسان» خوانده که از دروازه (درب) ری آغاز می‌شده است (ص ۲۶).

شاهراه خراسان^۱ - که از بغداد آغاز می‌شد - ارتباط می‌یافت. به نوشته حمدالله مستوفی در سده ۸ق، راه ری به سوی نیشابور ۶ فرسخ پیش از بسطام از موضعی به نام حداده که به مهمان-دوست معروف بود، به دو شاخه تقسیم می‌شد و از دو راه معروف به راه جاجرم و راه سبزوار به نیشابور می‌رسید. راه نخست ابتدا به بسطام می‌رسید و در ادامه پس از عبور از مغز، دیه سلطان، رباط سونج (سونج)، به جاجرم و سپس آزادوار می‌رسید (مستوفی، ۱۷۴ نک: نقشه شماره ۳). راه در جاجرم به مسیر گرگان - نیشابور می‌پیوست (نک: بخش ۳). با آنکه منابع متقدم جغرافیایی از راه بسطام - نیشابور صریحا یاد نکرده‌اند، اشاره یکی از منابع سده ۴ق به این که جاجرم محل تلاقی راه‌های نیشابور، گرگان و قومس (دامغان) بوده (نک: بخش ۳)، به طور ضمنی از راه دامغان - نیشابور از طریق جاجرم پرده برمی‌دارد. مع الوصف، ظاهرا راه دامغان - نیشابور از طریق سبزوار در قرون نخستین چنان شهرت و رفت و آمدی داشته که جغرافی نویسان متقدم را از ذکر راه دیگر بازداشته است. با آن که اسامی منازل در راه دامغان به نیشابور از طریق سبزوار در منابع متقدم اندکی تفاوت دارد^۲، می‌توان دریافت که احتمالا منبع همگی یکی بوده است. از این میان، مطالب ابن رسته در این باره از تفصیل بیشتری برخوردار است (نک: ابن خردادبه، ۲۳، مقدسی، ۳۵۱؛ ابن رسته، ۱۷۰-۱۷۱؛ ابن حوقل، ۴۵۶).^۳

به جز راه اصلی یاد شده که از شهرهای اصفهان، قم و ری می‌گذشت و به دامغان می‌رسید، می‌توان به کوره‌راهی میان ایالت جبال و قومس نیز اشاره کرد. سده یا گرمه که اعراب آن را جَرَمَق می‌خواندند (لسترنج، ۳۴۸) و در کویر مرکزی ایران در میانه راه اصفهان (مقدسی، ۴۹۱) و راه نایین (ابن حوقل، ۴۰۴-۴۰۵) به سوی ایالت قهستان واقع بود، دو شهر یاد شده را به دامغان پیوند می‌داد. میان جرمق و دامغان تنها یک منزل به نام ونده وجود داشت که در ۵۰ فرسخی جرمق و ۴۰ فرسخی دامغان جای داشت (مقدسی، همانجا).

وضع اقتصادی ایالت قومس در مقایسه با ایالت قهستان که راه‌های دیگر فارس - خراسان

۱. یعقوبی (ص ۹۵) و ابن رسته (ص ۲۷۸) آن را «الطریق الاعظم» خوانده‌اند.

۲. با نگاه به همه منازل یاد شده شاید منازل این راه بدین ترتیب بوده است: هَفَدَر (هفتکند) (ظاهرا نخستین منزل در خراسان و محدوده نیشابور از سوی قومس بود)، اَمَد آباد، مزینان و بهمن آباد، نوق یا یحیی آباد، خسروگرد، سبزوار، حسین آباد، سنکدر، دستجرد، بیشکند (بیکند).

۳. از میانه همین راه پیش از آن که به نیشابور برسد، سه جاده فرعی جدا شده به توس می‌رفت. یکی از آن‌ها از اسفراین می‌گذشت. هارون-الرشید (خلافت: ۱۷۰-۱۹۳ق) بنا بر گزارش حاکم نیشابوری (د. ۴۰۵ق) که ابن فندق آن را نقل کرده است، از این مسیر به سوی توس رفت. او در قول دیگر از راه بیهق به توس رفت (ابن فندق، ۴۷).

از آن می‌گذشت، در جایگاه پایین تری قرار داشت. اهمیت تجاری شهرهای آن با شهر قاین، قصبه ایالت قهستان و همچنین ترشیز (نک: بخش چهارم) قابل مقایسه نبود. قلت شهرها و جمعیت این ایالت نسبت به برخی دیگر از ایالات به چشم می‌آمد و این موضوع از دید ریزبین مقدسی دور نمانده است (مقدسی، ۳۵۳).

درباره رفت و آمد در راه اصلی یاد شده در حدود اواخر سده ۲ق و اوایل سده ۳ق به سه گزارش در منابع متقدم برمی‌خوریم. برپایه گزارشی ضعیف و ظاهراً نادرست که از سوی برخی از محققان رد شده است (نک: عرفان منش، ۳۳-۳۵)، امام رضا (ع) از طریق راه قم به سوی نیشابور و مرو برده شده است. وجود قدمگاه رضوی در دیه آهوان (میرزا ابراهیم، ۲۲)، در میانه راه سمنان به دامغان - نیز که در یک منبع متاخر ذکر شده، این دیدگاه را تایید می‌کند. به نظر می‌رسد این دیدگاه نادرست نخستین بار در فرحة العری نوشته سید ابن طاووس (د. ۶۹۳ق) مطرح شده است (سید ابن طاووس، ۱۳۰-۱۳۱). دومین گزارش به سفر فاطمه معصومه (ع)، خواهر امام رضا (ع)، در سال ۲۰۱ق به سوی خراسان بازمی‌گردد که از راه جنوبی ایران از طریق ری (برای دیدن اسامی منازل میان اصفهان و ری از جمله قم نک: اصطخری، ۲۲۹-۲۳۱) رهسپار خراسان شد و در میانه راه در شهر قم از دنیا رفت (قمی، ۲۱۳). دعبیل خزاعی نیز در راه خود از مرو به سوی عراق (قاضی تنوخی، ۲۲۹/۲؛ مجلسی، ۲۴۳/۴۹) از شهر قم گذر کرد (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ۱/۲۹۵-۲۹۶؛ حمزه اصفهانی، ۲۹۵/۲۰، ۳۱۴؛ شیخ مفید، ۲/۲۶۴).

۳- راه‌های ایالت گرگان به نیشابور از دو طریق اسفرائین و جاجرم

گرگان از طریق دو راه به نیشابور می‌پیوست؛ یکی از طریق اسفرائین و دیگری از طریق جاجرم. در نوشته‌های ایزیدور خاراکسی^۳ مورخ رومی سده اول میلادی از یک جاده تجاری

۱. سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس در این کتاب درباره جایگاه مضجع امیرالمومنین، علی (ع) سخن گفته است. علامه حلی (د. ۷۲۶ق) با حذف اسناد و روایات مکرر، آن را با نام *الدلائل البرهانیة فی تصحیح الحضرة الغروریه بازنویسی* کرده است (نک: تقفی کوفی، ۸۳۷/۲ - ۸۳۸). رساله یاد شده در پایان کتاب *الفارقات تقفی کوفی* (د. ۲۸۳ق) در قالب تعلیقه شماره ۵۸ به چاپ رسیده است (۸۳۷/۲ - ۸۸۰).
۲. در نیمه نخست سده ۶ق ابوسعید سمعانی (د. ۵۶۲ق) نیز خود را از راه شهرهای دامغان (سمعانی، ۸۹/۳) و کاشان (همو، ۵۱۰/۳) به اصفهان رساند.

۳. Ysidorus Charax.

که از نیشابور به دریای خزر می‌رفته سخن به میان آمده (گابریل^۱، ۳۶) که ظاهراً یکی از همین دو راه بوده است. بر پایه نوشته مؤلف *حدود العالم* در سده ۴ق به نظر می‌رسد راه گرگان از شهر جاجرم می‌گذشته است (*حدود العالم*، ۲۹۳). بخش انتهایی مطلب این کتاب درباره جاجرم^۲ «... بر سرحد و بارکده گرگان است و آن کومش و نیشابورست» کاملاً مفهوم نیست؛ با این همه، با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی جاجرم، شاید عبارت یاد شده بدین معنی باشد که راه‌های نیشابور و دامغان (قومس) و گرگان در این جا تلاقی می‌کرده است. شاید عبارت سمعانی در *الانساب* نیز که در آن از قرار داشتن این شهر در میانه گرگان و نیشابور سخن گفته (سمعانی، ۵/۲)، به طور ضمنی، گزارش *حدود العالم* درباره قرار داشتن این شهر در میانه راه گرگان را تایید کند. با این همه، ابن رسته (ص ۲۷۸) و مقدسی (ص ۳۱۸)^۳ از راه گرگان - نیشابور از طریق اسفرائین خبر داده‌اند. ابن حوقل با آن که در بخش اول نقشه خراسان از راه گرگان - اسفرائین خبر داده (ابن حوقل، ۴۲۸)، بدین راه اشاره نکرده است. با توجه به موقعیت جغرافیایی دو ناحیه جاجرم و اسفرائین (نک: نقشه شماره ۱ و ۳)، چنین می‌نماید که گذشتن راه گرگان - نیشابور از هر دو ناحیه در یک مسیر مستلزم پرت شدن راه بوده و از این رو، امکان‌پذیر نبوده است؛ بر این پایه، به نظر می‌رسد رفت و آمد میان گرگان و نیشابور از دو طریق اسفرائین و جاجرم صورت می‌پذیرفته است. مقدسی (ص ۳۱۸) و به طور ضمنی *حدود العالم* (ص ۲۹۳)^۴ از گذر راه گرگان از دشت جوین سخن گفته‌اند؛ با توجه به موقعیت جغرافیایی دشت جوین (نک: نقشه شماره ۱ و ۳)، ظاهراً راه گرگان - نیشابور از طریق جاجرم - و نه از طریق اسفرائین - از این ناحیه می‌گذشته است. ابوالعباس احمد بن محمد مصری حافظ (د. ۳۷۶ق) در حدود سال ۳۱۹ق در راه خود از گرگان به سوی نیشابور از این ناحیه گذر کرد (سمعانی، ۳۱۱/۵). این راه در دشت جوین به شهرک آزادوار^۵ می‌رسید (*حدود العالم*، ۲۹۳؛ مقدسی، همانجا). در راه دیگر گرگان به سوی نیشابور، منازل میان

۱. Gabriel.

۲. جاجرم شهرکی است بر راه گرگان، بر سرحد و بارکده گرگان است و آن کومش و نیشابورست. عبارت پایانی احتمالاً بدین معناست که جاجرم سرحد و بارکده قومس (دامغان) و نیشابور نیز بوده است. موقعیت جغرافیایی جاجرم نسبت به سه شهر یاد شده این مطلب را تایید می‌کند.

۳. یسقه جاده جرجان.

۴. با ذکر آن‌که از شهر آزادوار می‌گذشته که در برخی دوره‌ها قصبه دشت جوین بوده است.

۵. شهرکی در اول کوره جوین از سوی قومس (غرب) و از توابع نیشابور بوده است (یاقوت حموی، «ازادوار»، ۵۳/۱) که دست کم در سده ۴ق (مقدسی، ۳۱۸) و اوایل سده ۷ق (یاقوت حموی، همانجا) قصبه جوین بوده است.

اسفراین تا نیشابور عبارت بود از مهرگان و ریوند (مقدسی، ۳۵۲). اصطخری (ص ۲۸۴) و ابن حوقل (ص ۴۵۶) به جای ریوند، خان‌روان^۱ را نام برده‌اند. از جای گرفتن ریوند در میان منازل راه می‌توان دریافت که قصبه ناحیه ریوند به همین نام خوانده می‌شده است. خان‌روان را نیز اگر همان ریوند ندانیم، باید در حدود شمال غربی شهر نیشابور جای داد.^۲ راه گرگان مانند راه عراق به دروازه قباب نیشابور می‌رسید (اصطخری، ۲۵۵؛ ابن حوقل، ۴۳۲). بیهقی در مورد مسافت این راه چنین نوشته است: «... و پیداست تا دهستان و گرگان چه مسافت است هرگاه که مراد باشد به دو هفته به نیشابور باز توان آمد» (بیهقی، ۵۷۹).



نقشه شماره ۱: موقعیت کنونی شهرهای اسفراین، جوین، آزادوار و جاجرم (برگرفته از google map)

۱. شاید روان صورت دیگری از همان ریوند (Rivand) باشد. واژه ریوند در گویش محلی نیشابور ریوند (Rivand) تلفظ می‌شود.
 ۲. شاید دَوین در شمال غربی نیشابور نیز که از دیه‌های ناحیه استوا شمرده شده (یاقوت حموی، «دَوین»، ۴۹۱/۲) و ابوسعید سمعانی (د. ۵۶۲ق)، مؤلف الأنساب از طریق آن به نیشابور وارد شده (نک: ۹۴/۲)، گاهی در همین مسیر، منزلگاه مسافران بوده است؛ با قید این شرط که سمعانی برای درک محدثی راه خود را بدان کج نکرده باشد؛ چنان که از محدثان انتظار می‌رفته است.

این راه چنانکه گفته شد دست کم از سده اول میلادی محل رفت و آمد بوده است. در اواخر سده نخست هجری در خلافت سلیمان اموی (خلافت: ۹۶-۹۹ق) جعفر بن برمک که در راه خود از بلخ به سوی طبرستان، در میانه راه به نیشابور وارد شد (نظام الملک توسی، ۲۳۸) به احتمال بسیار همین راه را طی کرده است. برخی گزارش ها حاکی از آن است که این راه در ادوار بعدی نیز مورد استفاده کاروان های تجاری^۱، عالمان^۲ و امیران^۳ بوده است؛ از این رو، ظاهراً در دوره اسلامی نیز راهی کم رفت و آمد نبوده است.

۴- راه های ایالات فارس و جبال به نیشابور از طریق ایالت قهستان

یکی از سه راه مهمی که از ایالات غرب خراسان، فارس و جبال، به نیشابور می رسید، راهی بود که از سوی ایالت قهستان می رسید و دو ایالت یاد شده را به نیشابور پیوند می داد؛ همان راهی که امام رضا (ع) در سال ۲۰۰ق (حاکم نیشابوری، ۲۰۸) از طریق آن به نیشابور وارد شد. راه های جبال، فارس و کرمان با گذشتن از کویر مرکزی ایران از طریق قهستان به نیشابور می رسید. راه قهستان به نیشابور به لحاظ تجاری اهمیت بسیار داشت؛ زیرا مراکز تجاری معتبری مانند ایالت فارس، سواحل خلیج فارس و ایالت کرمان را به نیشابور پیوند می داد که بارانداز کالاهای شرق دور و احتمالاً شمال و شرق اروپا به شمار می رفت و کانال ارتباطی مهمی برای سرزمین های یاد شده بود (برای آگاهی از روابط تجاری قلمرو سامانی با شمال و شرق اروپا در سده های ۳ و ۴ ق، نک: متز، ۲۰۷/۲؛ لافون و رابینو، ۱۳۱ پاورقی؛ مایلز، ۳۲۵؛ ناجی، ۳۶۱). به نوشته باسورث، «از طریق این راه، نفوذ بازرگانی و اقتصادی خراسان در سراسر خلیج فارس گسترش یافته بود» (باسورث، ۱۵۰). اهمیت تجاری این راه به علت رونق تجارت در قهستان نیز بود. به نوشته مقدسی، ترشیز بارانداز فارس و اصفهان و خزانه تامین-کننده غله خراسان (مقدسی، ۳۱۸) و قاین قصبه این ایالت نیز بارانداز خراسان و خزانه کرمان

۱. در یکی از حکایات ابوسعید از کاروان تجاری سخن گفته شده که از ختن به سوی طبرستان رهسپار بود (ابن منور، ۲۰۲). بخشی از مسیر چنین کاروان هایی به احتمال بسیار نیشابور - گرگان بوده است.

۲. ظاهراً بدیع الزمان همدانی (۳۵۸-۳۹۸ق)، ادیب معروف که از گرگان به نیشابور آمد (حسینی، ۲۶۵) برای رسیدن به نیشابور همین راه را پیموده است. بر پایه عبارات یکی از نامه های وی، او در این راه با دزدانی عرب رو به رو شده است (نکته: همو، ۲۹۴).

۳. سلطان مسعود غزنوی (حک: ۴۲۱-۴۳۲ق) راه میان نیشابور تا گرگان را در دو هفته از ۱۲ ربیع الاول سال ۴۲۶ق تا ۲۶ آن ماه - ظاهراً نه به شتاب که به سیر عادی و کاروانی - پیمود (بیهقی، ۵۸۰).

(همو، ۳۲۱)^۱ بوده است. در راه دیگر ایالات فارس و جبال به سوی خراسان که از ایالت قومس می‌گذشت، عکس این وضع صادق بوده است. چنانکه در بخش دوم اشاره شد، ایالت قومس به لحاظ تجاری اهمیت چندانی نداشته یا دست کم اهمیت تجاری ایالت قهستان را نداشته است.

مسافر در راه‌های ایالات فارس و جبال به سوی خراسان به حاشیه کویر مرکزی ایران می‌رسید و بیابان را از طریق چندین راه به مقصد ایالت قهستان پشت سر می‌گذاشت. «سیر در این بیابان با اسب سخت بود و تنها با شتر از آن گذر می‌شد» (ابن حوقل، ۴۰۲). مهم‌ترین راه میان فارس و قهستان که اصطخری آن را «راه خراسان» خوانده (ص ۱۲۹)، از شیراز آغاز می‌شد و از جمله شهرهای معروف میانه آن به ترتیب اصطخر، ابرقو و یزد را می‌توان نام برد (ابن خردادبه، ۵۱-۵۰؛ اصطخری، ۱۲۹-۱۳۰؛ ابن حوقل، ۴۰۳؛ مقدسی، ۴۵۷). ابن حوقل در سده ۴ق از راه دیگر فارس به قهستان با عنوان «راه نایین» یاد کرده است که از نایین به سوی طبس^۲ می‌رفت (ابن حوقل، ۴۰۰-۴۰۱). راه مستقیم نایین - خراسان نیز بدون گذر از طبس، پس از جدا شدن از منزلی به نام نوجای به بن^۳ واقع در قهستان می‌رسید و مهم‌ترین منزل بعدی تا نیشابور، ترشیز بود (ابن حوقل، ۴۰۴-۴۰۵؛ برای دیدن این راه و منازل مهم میانه آن نک: نقشه شماره ۳). بنابراین، راه نایین به قهستان در منزل نوجای دو شعبه می‌شد. یک راه از آن دو بنابر نامگذاری ابن حوقل، راه نایین - خراسان بود (ابن حوقل، ۴۰۴) و راه دیگر از نوجای به سوی جنوب شرقی به طبس می‌رفت. ناصر خسرو (د. ۴۸۱ یا ۴۸۵ق) در سال ۴۴۴ق بیابان میان اصفهان تا طبس را با گذر از نایین پیمود (ناصر خسرو، ۱۲۴).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

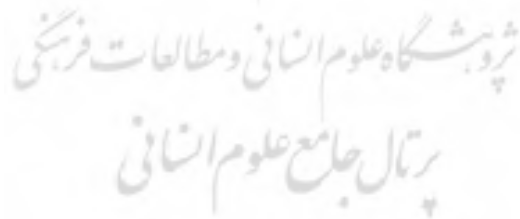
۱. به نوشته مقدسی، از قاین در عمان به احترام بسیار یاد می‌شد (ص ۳۲۱).

۲. ابن حوقل (ص ۴۰۱) آن را «طبسین» ضبط کرده است که مقصود وی از آن، طبس خرما یا گیلکی واقع در کناره کویر است. به نوشته لسترنج (ص ۳۸۵) گاهی به نادرست نام «طَبَسْتِین» بر یکی از دو طبس خرما (گیلکی) یا عُنَاب (مسینان) اطلاق شده است. او درباره وجه تسمیه طبس خرما یا گیلکی به «طبسین» حدس نسبتاً معقولی زده است. به نوشته وی (ص ۳۸۶)، طبس خرما دو دژ داشته که یکی از آن دو «کُری» یا «کُرین» بوده است. بنابراین، می‌توان گفت که ممکن است «طبسین» ذکر شده در منابع هیچ پیوندی با طبس عُنَاب یا مسینان نداشته باشد.

۳. به نوشته لسترنج، نایند کنونی (با نایند واقع در کویر در جنوب طبس فرق دارد) همان بَن سابق است (ص ۳۸۶). نایند مورد اشاره لسترنج شاید انابد (anābad) است که اکنون شهری است در بخش انابد شهرستان بردسکن در غرب شهر بردسکن. این شهر در جنوب غربی استان خراسان رضوی واقع است. اگرچه جایگاه شهر ترشیز و کاشمر فعلی یکی نبوده است (نک: خسروی، ۱۱۸)، انابد (بن) که در منابع از دو مرحله راه میان آن و ترشیز سخن گفته شده، در فاصله بیش از ۶۰ کیلومتری شهر کاشمر جای دارد (نک: <http://traveltips.blogfa.com/post-28.aspx>).

در سده ۴ ق به جز راه نایین (خود از توابع فارس بود)^۱ که گاهی ایالت جبال و به طور خاص اصفهان را به ایالت قهستان پیوند می داد (نک: بند پیشین)، دو راه دیگر نیز میان این دو ایالت وجود داشت. یکی از این دو راه که ابن حوقل آن را «راه میانه» خوانده، از اردستان آغاز می شد و به طبس می رسید (نک: ص ۴۰۱). دیگری راه مستقیم اصفهان به سوی ایالت قهستان بود که در منزل جَرَمَق (گرمه یا سده) به راه نایین متصل می شد (مقدسی، ۴۹۱) و در عین حال، از همین منزل راهی دیگر به سوی دامغان، قصبه ایالت قومس، نیز وجود داشت (نک: بخش ۲).

بر پایه گزارش ابن حوقل، راه های یزد و نایین به همراه راه شور (یکی از راه های کرمان به قهستان) به طرف قهستان در دیه کُری^۲ در سه فرسنگی طبس به هم می پیوست (ابن حوقل، ۴۰۵؛ برای مشاهده راه های کویر مرکزی ایران به سوی ایالت قهستان نک: نقشه شماره ۲). با فرض صحت موقعیتی که برای کُری (کُریت امروزی) در سه فرسنگی جنوب شرقی طبس ذکر می شود (لسترنج، ۳۸۶؛ نک: نقشه ۳) و همچنین با ملاحظه موقعیت راه نایین - طبس (نک: نقشه شماره ۳) به نظر می رسد رسیدن راه نایین - طبس به کُری مستلزم پرت و دور شدن راه بوده است.



۱. لسترنج، ۲۲۴.

۲. این منزل که کُرین نیز خوانده شده (اصطخری، ۲۲۳؛ یاقوت حموی، «کُرین»، ۴۵۸/۴)، اکنون کُریت خوانده می شود و در حدود ۲۰ کیلومتری جنوب شرقی طبس واقع است (جلیلی، ۲۷۶). با توجه به شباهت این دو واژه به یکدیگر در خط، شاید «کُرین» موجود در منابع تصحیف شده ای از «کُریت» باشد.

برپایه روایت نقل شده توسط شیخ صدوق (د. ۳۸۱ق)، ماموران مامون امام رضا (ع) را از ایالت فارس گذر داده و از طریق ایالت قهستان به نیشابور رساندند. مامون به رجاء بن اَبی-ضَحَّاک دستور داد آن حضرت را از راه بصره، اهواز و ایالت فارس به سوی خراسان بیاورد و آن حضرت را از راه کوفه و قم عبور نهد (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ۱/۱۶۰-۱۶۱، ۱۹۴)؛ احتمالاً به جهت شیعه‌نشین بودن کوفه و قم خلیفه به صلاح نمی‌دانست که شیعیان با آن حضرت ارتباط یابند. شاید راه یاد شده فارس به قهستان یعنی راه مستقیم نایین - خراسان از راه بن - ترشیز واقع در ایالت قهستان همان راهی بوده است که امام رضا (ع) از آن گذشته‌اند؛ چه به نظر می‌رسد نایین در شمار شهرهایی است که با قدوم آن حضرت متبرک شده است و قدمگاه‌هایی منسوب به امام رضا (ع) در این شهر و اطراف آن^۱ وجود دارد (عرفان‌منش، ۱۰۹-۱۱۰؛ جعفریان، ۴۶۶-۴۶۷). البته نام ابرقو^۲ (همو، ۴۶۴؛ عرفان منش، ۹۱) و یزد^۳ (همو، ۹۹؛ جعفریان، همانجا) نیز در شمار شهرهایی نام برده شده که آن حضرت بر آن‌ها گام گذاشته‌اند. بنا بر آنچه گفته شد احتمالاً راهی که امام رضا (ع) پس از گذر از اهواز^۴ در خوزستان (همو، ۴۶۳؛ عرفان منش، ۴۷) و ارجان^۵ در فارس (نک: همو، ۷۸-۷۹؛ جعفریان، همانجا) از طریق آن به قهستان رسیده‌اند، به ترتیب از اصطرخ، ابرقو و یزد می‌گذشت. چنان که گفته شد میان یزد تا طبس راهی وجود داشته است. بنابراین، می‌توان این راه را - که از

۱. در دو شهر نایین و بافران (Bāfrān) در ۵ کیلومتری جاده نایین - یزد نیز دو قدمگاه وجود دارد. از قدمگاه‌های شهر نایین به قدمگاه مسجد قدیمان یا مسجد جامع قدیم، قدمگاه پشت مسجد کلوان، مسجد و حمام امام رضا (ع) در محله گودالو نیز می‌توان اشاره کرد (عرفان-منش، ۱۱۵-۱۰۹).

۲. در حومه ابرقو در مسجدی به نام مسجد بیرون کتیبه‌ای وجود دارد که از توقف امام رضا (ع) در آن مکان خبر داده است (همو، ۹۱).
 ۳. قدمگاه‌های چندی در یزد و پیرامون آن شهرت دارند. یکی از قدیم‌ترین گزارش‌ها درباره قدمگاه‌های یزد و پیرامون آن در تاریخ یزد جعفر بن محمد جعفری وجود دارد. به نوشته وی، در سده ۷ق سلطان قطب‌الدین ابومنصور از حکمرانان اتابکان یزد بنایی در قدمگاه یزد احداث کرده است (جعفری، ۴۱). از جمله قدمگاه‌های یزد و پیرامون آن می‌توان به قدمگاه یا مسجد فرط در شهر یزد (http://yazdcity.ir/SC.php?type=component_sections&id=31&t2=DT&sid=53)، قدمگاه خَرَاتِق (مشهدک) در حدود ۶۰ کیلومتری شمال شرقی یزد واقع در راه طبس و قدمگاه دیه فراشاه (اسلامیه امروز) در کنار جاده تفت به دهشیر (عرفان‌منش، ۱۰۷-۱۰۵) میان ابرقو و یزد اشاره کرد. در صورت پذیرفتن آن که کاروان رضوی از خَرَاتِق گذشته و با توجه به موقعیت جغرافیایی آن، شهر نایین را نمی‌توان در مسیر این کاروان دانست.

۴. در اهواز قدمگاه یا مسجدی منسوب به امام رضا (ع) رو به روی شادروان (بند، سد) رود بزرگ شوشتر وجود داشته است که در سده ۴ق ابودلف مسغر بن مَهْلَهیل (د. حدود ۳۹۰ق) از آن یاد کرده و یاقوت حموی (د. ۶۲۶ق) آن را نقل کرده است («الاهواز»، ۲۸۵/۱). عرفان‌منش به سبب نام رود شوشتر در این گزارش، بند مذکور را شادروان شوشتر تصور کرده است (عرفان منش، ۵۶-۵۷)؛ در حالی که ابودلف در گزارش یاد شده به روشنی از رودهای سوق الاهواز (اهواز) سخن به میان آورده است.

۵. با آن که از ذکر قدمگاه ارجان در منابع کهن مانند معجم البلدان سخن گفته شده (عرفان‌منش، ۸۶)، علی‌رغم کاوش بسیار در منابع جغرافیایی کهن ذکری از آن یافت نشد.

نایین نمی‌گذشت - در ادامه مسیر شهرهای یاد شده، مسیر کاروان رضوی دانست. با این همه، چنان که گفته شد نایین نیز دارای قدمگاه‌هایی است. با فرض قدم گذاشتن آن حضرت به نایین، شاید راه یزد - قهستان (نک: سطرهای پیشین) رها شده و پس از آنکه کاروان آن حضرت از طریق میبد و عقده^۶ (ابن حوقل، ۲۸۷) راهی نایین شده، از راه نایین رهسپار بن در ایالت قهستان شده است. بر این پایه، راه کاروان رضوی تنها با بخشی از راه طی شده توسط مقدسی در سده ۴ق (متز، ۲/۲۳۲) و ناصرخسرو (د. ۴۸۱ یا ۴۸۵ق) در سال ۴۴۴ق (ناصرخسرو، ۱۲۴-۱۲۵) یکسان بوده است: از نایین تا نوجای (نک: نقشه شماره ۳)؛ زیرا آنان راه نایین - طبس و نه راه نایین - بنرا پیموده‌اند. با وجود قدمگاه‌هایی در هر دو شهر یزد و نایین، رها کردن راه یزد - طبس و عزیمت از یزد به سوی نایین - با توجه به موقعیت جغرافیایی آن - مستلزم دور و پرت شدن راه بوده است؛ اگرچه به نظر می‌رسد با پیمودن راه نایین به بن و سپس ترشیز در قهستان بدون گام نهادن به طبس تا حدودی راه اضافه طی شده از یزد به نایین جبران می‌شده است (نک: موقعیت جغرافیایی منازل در راه نایین - ترشیز - نیشابور نسبت به راه یزد - طبس - ترشیز - نیشابور در نقشه شماره ۳). نایین همچنین می‌توانست در مسیر ایالت خوزستان به اصفهان و سپس نایین قرار گیرد؛ زیرا از سویی یکی از مسیرهای احتمالی این کاروان از خوزستان مسیری تصور می‌شود که از طریق شوشتر و ایذه (مال‌امیر) به اصفهان می‌رسید (نک: عرفان‌منش، ۶۶-۶۸) و از سوی دیگر، در سده‌های نخستین هجری گاهی نایین در میانه راه اصفهان به قهستان قرار می‌گرفته است (نک: ناصرخسرو، همانجا). با این همه، چنان که بیان شد، راه مستقیم میان اصفهان و ایالت قهستان نیز وجود داشته است. وجود قدمگاه‌هایی در شوش، دزفول (عرفان‌منش، ۵۸-۶۳) و به ویژه، ایذه (مال‌امیر) (مستوفی بافقی، ۱/۸۸) احتمال طی شدن مسیر خوزستان - اصفهان توسط کاروان رضوی را تقویت می‌کند؛ اگرچه به نظر می‌رسد طی همه شهرهای نام برده شده در خوزستان در یک مسیر در راه اصفهان با توجه به موقعیت جغرافیایی هر یک نامعقول و ناممکن بوده است.

۶. شهر عقدا اکنون در غرب بزرگراه نایین - اردکان واقع و از توابع شهرستان اردکان است. یاقوت حموی آن را به ضم عین و سکون قاف ضبط کرده است («عقده»، ۴/۱۳۵)؛ در حالی که امروز آن را عقدا (Aqdā)، به فتح عین می‌خوانند.

دو راه نایین و اصفهان (نک: همین بخش، بند دوم و سوم) پس از گذر از بن در رباط یحیی (رباط زنجی) به راه طبس - نیشابور می پیوست و راه پس از آن، چنانکه پیشتر اشاره شد، به ترشیز می رسد (ابن خردادبه، ۵۲؛ مقدسی، ۴۹۱).^۷ جغرافی نویسان متقدم منازل میان ترشیز تا نیشابور را متفاوت نوشته اند (نک: ابن خردادبه، همانجا؛ مقدسی، ۳۵۲؛ مستوفی، ۱۷۸) که احتمالاً این اختلاف از جا به جا شدن منازل در ادوار مختلف برخاسته است.^۸ راه ایالت قهستان به دروازه احوص آباد نیشابور می رسد (اصطخری، ۲۵۵؛ ابن حوقل، ۴۳۲). مقدسی یکی از دروازه های شهر را دروازه فارس خوانده است (مقدسی، ۳۱۶) که شاید از اهمیت بیشتر روابط تجاری نیشابور با فارس به نسبت کرمان و اصفهان حکایت داشته باشد و البته به نوبه خود اهمیت و رفت و آمد بیشتر راه فارس - نیشابور را نشان می دهد.

بنابر گفته ابن فندق (د. ۵۶۵ق)، راه های ایالات جنوبی ایران به سوی خراسان از طریق قهستان دست کم در سده ۳ و ۴ق رونق و رفت و آمد بیشتری نسبت به مسیر شاهراه خراسان از طریق قومس داشته است. به نوشته او، امام جواد (ع) از همین راه برای زیارت پدر بزرگوار خود قدم به خراسان نهادند. ذکر این قید ضروری است که آن حضرت پس از گذر از قهستان از نیشابور نگذشته و از طریق بیهق به سوی توس رهسپار شدند. ابن فندق بدون ذکر منبع خود در این باره چنین نوشته است: «... از راه طبس مسینا دریا عبرت کرد که آن وقت راه قومس مسلوک نبود و آن را در عهدی نزدیک مسلوک گردانیدند به ناحیت بیهق آمد و در دیه ششتمد نزول کرد و از آن جا به زیارت پدر خویش علی بن موسی الرضا (ع) رفت اندر سنه اثنین و ثلثین و مائتین» (ابن فندق، ۴۶). آن حضرت تا سال ۲۲۰ق در قید حیات بوده اند؛ با توجه به این مطلب و همچنین عبارت صریح گزارش ابن فندق که در آن از عزیمت ایشان به قصد دیدار پدر (که در سال ۲۰۳ق به شهادت رسید) سخن گفته شده، به نظر می رسد سال ذکر شده در تاریخ بیهقی تغییر یافته عددی چون «اثنین و مائتین» بوده و به هر رو، نادرست

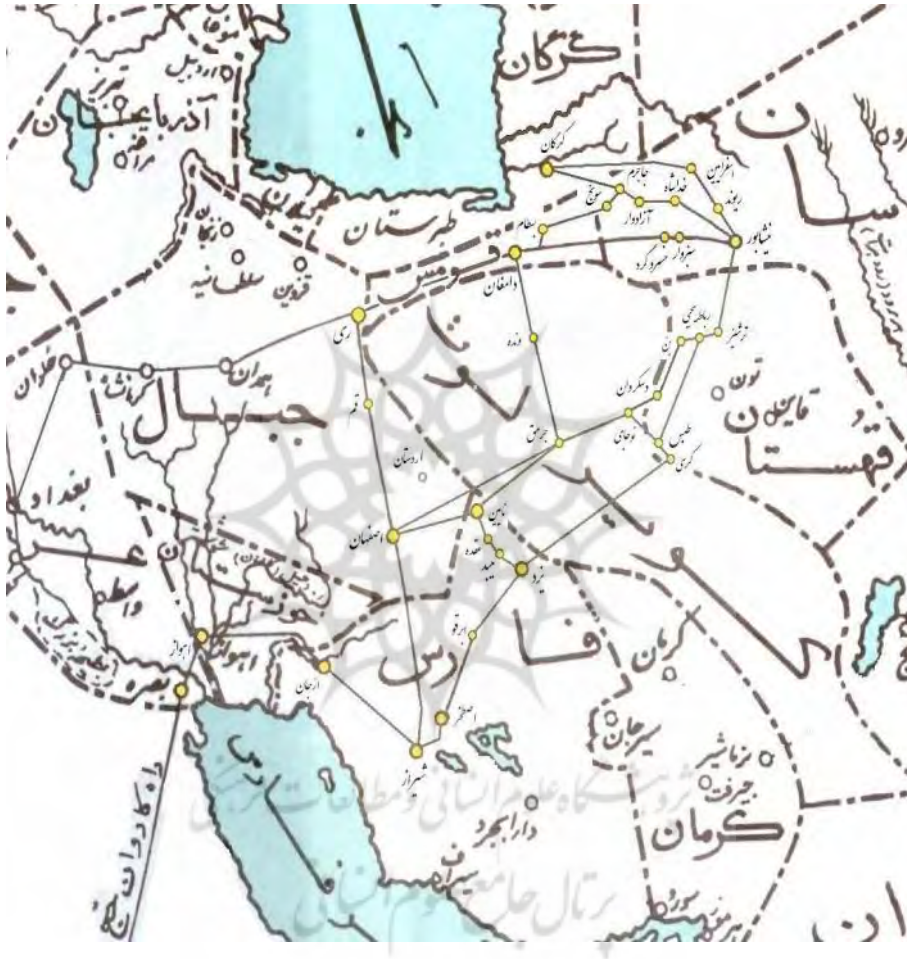
۷. لسترنج بر آن است که افزون ذکر شده توسط ابن خردادبه (ص ۵۲) در میانه راه طبس - ترشیز همان بن است (ص ۳۸۶). ظاهراً یکی بودن نخستین منزل در راه ترشیز - طبس (نک: همان) و نیز ترشیز - بن (نک: مقدسی، ۴۹۱) یعنی منزل رباط یحیی (رباط زنجی) سبب پدید آمدن چنین دیدگاهی شده است. بر پایه این دیدگاه، راه طبس به ترشیز از بن می گذشته است. به نظر می رسد شواهد کافی برای این دیدگاه وجود ندارد؛ از این رو، چنین می نماید که احتمالاً راه طبس - ترشیز مستقل از راه بن - ترشیز بوده است. مقدسی در سده ۴ق از بن دیگری نیز یاد می کند که در مسیر ترشیز به سوی جرمق در چهار منزلی بن نخستین (همان) و ظاهراً در کویر جای داشته است.

۸. یک راه قابل ذکر دیگر نیز از ایالت قهستان به نیشابور می رسد؛ راه قاین - نیشابور که آن نیز از طریق ترشیز به نیشابور می رسد (نک: اصطخری، ۲۸۴ قس: ابن حوقل، ۴۲۷).

است. همچنین سخن وی درباره گذر آن حضرت از طبس مسینان نیز صحیح نیست و او در تشخیص آنکه طبس مورد اشاره منبع مورد استفاده وی کدامیک از دو طبس بوده، به خطا رفته است. راه‌های اصلی همیشه از طبس خرما یا گیلکی می‌گذشته است نه طبس عُنَّاب یا مسینان (برای آگاهی از جایگاه و تفاوت این دو نک: لسترنج، ۳۸۵). این گزارش به نوبه خود از وجود راهی فرعی میان طبس و بیهق نیز خبر داده است.^۹ سؤال اساسی این است که چرا امام جواد (ع) با وجود راه عراق به سوی خراسان از طریق جبال (شاهراه خراسان)، از دریا گذر کرده و از طریق ایالات جنوبی ایران و سپس قهستان به سوی خراسان راهی شده‌اند؟ شاید کسانی که در این دوره از شبه جزیره به سوی شرق می‌آمدند، راه بغداد - خراسان را برای سفر خود راهی کج و پرت و نسبت به راه جنوبی ایران، طولانی‌تر تلقی می‌کرده‌اند یا آنکه امام جواد (ع) نمی‌خواستند از مرکز خلافت گذر کنند. البته منابع رجالی سفر حج بسیاری از عالمان خراسان و ماوراءالنهر در دوره‌های بعد را از طریق عراق و بغداد به سوی مکه و بالعکس گزارش کرده‌اند (به عنوان نمونه، نک: خطیب بغدادی، ۱۰۳/۳، ۲۳۳/۴، ۶۸۴، ۳۶۰/۶، ۳۱۲/۷، ۱۹۹/۸). این سفرها با هدف گذر از مرکز علمی معتبر بغداد و با انگیزه افاده یا استفاده علمی (فی المثل درباره محدثان، املائی حدیث یا شنیدن آن) بوده است. سؤال جدی دیگر آن است که چرا آن حضرت از ایالت فارس به سوی ری نیامده‌اند. راهی که از شهر قم، یکی از مراکز عمده شیعیان در ایران (خضری و دیگران، ۱۶۷-۱۷۱) و موطن برخی از اصحاب برجسته آن حضرت (همو، ۱۷۲-۱۷۴) که شمار ایشان را می‌توان دست کم تا ۱۹ تن برشمرد (حاج تقی، ۲۰۶-۲۳۰)، می‌گذشته است. به نظر می‌رسد راه فارس - جبال - قومس - خراسان نسبت به راه فارس - قهستان - خراسان طولانی‌تر تصور می‌شده است. گزارشی در زمین الاخبار دیدگاه ابن فندق را تایید می‌کند. این گزارش به طور ضمنی، از کم رفت و آمد بودن راه قومس - خراسان در سده‌های نخستین هجری نسبت به راه دیگر حکایت دارد. گردیزی در شرح حکومت قتیبه بن مسلم (حک: ۸۶ - ۹۷ق) در خراسان چنین آورده است: «قتیبه اندر سنه سبع و ثمانین به خراسان آمد از راه قومس پیش از آن، [از] راه پارس و کرمان آمدندی» (گردیزی، ۲۴۸). اگر به گزارش‌های گردیزی و ابن فندق اعتماد شود، می‌توان گفت که مسیر

۹. امروز نیز راهی با گذر از عشق آباد و بردسکن، طبس را به سبزوار می‌پیوندد. این راه با فاصله نسبتاً چشمگیری از شرق ششمند می‌گذرد.

قومس حتی پس از قتیبه، دست کم تا یکی دو سده دیگر نیز همچنان نسبت به راه قهستان کم رفت و آمد بوده است.



نقشه ۳: راه های ایالات فارس، جبال و گرگان به سوی نیشابور
(برگرفته از نقشه های جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی)

۵ - امنیت راه‌های پیرامون نیشابور در اواخر سده ۲ و اوایل سده ۳ ق

در بررسی وضع راه‌های پیرامون نیشابور مقارن ورود امام رضا (ع) به این شهر، امنیت راه‌ها نیز شایان توجه است. این حضور به زمانی پیش از ظهور سلسله طاهری باز می‌گردد. به احتمال فراوان، راه‌های پیرامون نیشابور در این زمان دستخوش ناامنی‌های خوارج بود. حمزه آذرک از مدتی پیش شورش خود را در سیستان آغاز کرده و دامنه فعالیت‌های نظامی خود را تا خراسان گسترش داده بود (خضری، ۷۹-۸۰). در سده ۳ ق و در حکومت عبدالله بن طاهر (حک: ۲۱۶-۲۳۰ ق) به ویژه پس از انتقال پایتخت از مرو به نیشابور، راه‌های پیرامون این شهر بیش از گذشته روی امنیت را به خود دید. اگرچه منابع از اقدامات عبدالله در امنیت راه‌های پیرامون نیشابور سخنی به میان نیاورده‌اند، از اقدامات چشمگیر او برای امنیت نواحی شمال رُبَع نیشابور، حد فاصل نیشابور و خوارزم خبر داده‌اند (یاقوت حموی، «فراوه»، «کوفن»، ۲۴۵/۴، ۴۹۰؛ ابوالفداء، ۴۳۹، ۴۴۵). احتمالاً این اقدامات برای امنیت راه‌های خوارزم بود که خراسان را به روسیه و شمال و شرق اروپا می‌پیوست.

به جز خوارج که در اواخر سده ۲ ق و اوایل سده ۳ ق و فری در خراسان داشتند، خطر عیاران و دزدان نیز کاروان‌ها و مسافران را در این زمان تهدید می‌کرد. ابن فندق از حمله شبانه اوباش (رنود) خسروگرد، یکی از دو قصبه بیهق بر سر شاهراه خراسان به گروهی از بازرگانان جوان فرود آمده بر ظاهر این قصبه با هدف غارت اموالشان سخن گفته است (ابن فندق، ۲۸۵) که احتمالاً مربوط به حدود اواخر سده ۲ ق یا اوایل سده ۳ ق می‌شود. همچنین اموال کاروانی که دعبل برای رسیدن به عراق با آن همراه شد، در مسیر بازگشت از مرو در محلی به نام «میان قوهان» که احتمالاً در حدود کوه‌های شمال یا شمال غربی نیشابور جای داشته،^{۱۰} توسط اکراد سرنجان غارت شد (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ ق، ۲۹۵/۱-۲۹۶؛ همو، ۱۴۰۵ ق، ۳۷۳-۳۷۶؛ قاضی تنوخی، ۳۲۹/۲-۳۳۰؛ مجلسی، ۲۳۹/۴۹-۲۴۱). یحیی بن زکریا، اهل ری، نیز ظاهراً در حدود

۱۰. در یکی از حکایات ابوسعید ابی‌الخیر به راهی اشاره شده که از دره‌ای به نام میان(دره میون) می‌گذشت. آبی از آن دره بیرون می‌آمد و به رودخانه نیشابور می‌پیوست (ابن منور، ۱۰۸). به نوشته یاقوت حموی، «میان» جایگاهی^{۱۱} در نیشابور بود. بعید نیست میان قوهان ذکر شده در مسیر بازگشت دعبل شاعر از مرو و آن میان^{۱۲} که کاخ‌هایی از آل‌طاهر دست کم از عهد عبدالله بن طاهر^{۱۳} (حک: ۲۱۶-۲۳۰ ق) در آن ساخته شد (یاقوت حموی، «المیان»، ۲۳۹/۵)، همین جایگاه بوده باشد. تنها بیان یاقوت که آن را به صورت جمع، جایگاه‌هایی متعدد در نیشابور دانسته، با فرض عدم تصحیف این عبارت، مانع از آن می‌شود که این جایگاه‌های یاد شده را - که یکی محل کاخ‌های آل‌طاهر و دیگری در راه پیموده شده توسط دعبل بود - همین میان ذکر شده در این حکایت بدانیم. شایان ذکر است که امروز نیز یکی از بخش‌های شهرستان نیشابور «میان‌جلگه» خوانده می‌شود که پیوندی با میان یا میان‌های تاریخی ندارد.

همین زمان در راه بازگشت از بلخ به ری پیش از رسیدن به نیشابور به دزدان برخورد و ۱۰۰ هزار درهمی را که از مردم گرفته بود، از دست داد و دست خالی وارد شهر شد (هجویری، ۱۵۳-۱۵۴).

بیابان مرکزی ایران میان خراسان و قهستان از سوی و جبال، فارس و کرمان از سوی دیگر واقع است. در سده های نخستین هجری دو راه اصلی مورد بررسی این مقاله (یکی فارس و جبال به سوی قهستان و سپس نیشابور و دیگری فارس و جبال به سوی قومن و سپس نیشابور) از دو سوی این بیابان می گذشت. این کویر در این دوره همیشه پناهگاه یاغیان و راهزنان بوده است. ابن حوقل، اصطخری و مقدسی در سده ۴ق و ناصر خسرو در سده ۵ق از نامنی این راه سخن گفته اند؛ ولی با توجه به وضع آشفته سیاسی ایران در سده های نخستین به نظر می رسد این نامنی در این زمان نسبت به سده های ۴ و ۵ق شدیدتر بوده است. راه اصفهان - ری که بخشی از راه فارس - ری - نیشابور شمرده می شد، از میان کرکس کوه و سیاه کوه می گذشت. به نوشته اصطخری، سیاه کوه در مسیر مسافر از ری به اصفهان در سوی راست وی و کرکس کوه در جانب چپش واقع بود. سیاه کوه پناهگاه دزدان بود (اصطخری، ۲۳۱). دزدان پناهگاهی در کرکس کوه نیز داشتند که آنچه از راهزنی به دست می آوردند، در آن جا پنهان می کردند. پیرامون کرکس کوه را بیابان فراگرفته بود؛ بیابانی که در مجاورت ری و قم واقع بود (اصطخری، ۲۲۸؛ ابن حوقل، ۴۰۲). راه های ایالات فارس، کرمان و جبال به سوی ایالت قهستان نیز که از بخش های میانی و جنوبی این بیابان می گذشت، وضع مشابهی داشت و مقدسی در سده ۴ق و ناصر خسرو در سده ۵ق از نامنی آن سخن گفته اند. ابوالحسن ابن سیمجور، سپهسالار سامانی (سپهسالاری: ۳۴۴-۳۴۹ق، ۳۵۰-۳۷۱ق) و عضدالدوله بویی (حک: ۳۳۸-۳۷۲ق) نیز برای امنیت این راه ها دست به اقداماتی زدند.^{۱۱}

۱۱. مقدسی در سده ۴ق از نامنی راه در بیابان مرکزی ایران چنین یاد کرده است: «قومی که ایشان را قُصص گویند از کوه های کرمان فرود می آیند کریه منظر (وجوه وحشه)، سیاه دل (قلوب قاسیه)، نیرومند و چابک (جلاده) از کسی در نمی گذرند و به گرفتن مال بسنده نمی کنند و بر هر که دست یابند سرش را مانند مار با سنگ می کوبند» (صص ۴۸۸-۴۸۹). او بلوچ (بلووس) را نیز که با ادعای مسلمانی از رومیان و ترکان نسبت به مسلمانان سخت ترند، بدتر از قُصص دانسته است (همو، ۴۸۹). در همین سده ۴ق عضدالدوله دیلمی (حک: ۳۳۸ - ۳۷۲ق) (نک: مقدسی، ۴۸۹) و سپهسالار خراسان در دوره سامانی، ابن سیمجور (سپهسالاری: ۳۴۴-۳۴۹ق، ۳۵۰-۳۷۱ق) (همو، ۴۹۳) برای امنیت راه ها در بیابان مرکزی ایران دست به اقداماتی زدند. ناصر خسرو (د. ۴۸۱ یا ۴۸۵ق) نیز در سده ۵ق از تسلط کوفجان در گذشته بر بیابان سخن گفته است (صص ۱۲۴-۱۲۵).

نتیجه

مسافران در سفر از ایالات فارس و جبال به سوی خراسان از طریق ایالت قومن یا ایالت قهستان خود را به نیشابور می‌رساندند. کدامیک از دو راه اصلی فارس - خراسان در سده‌های نخستین هجری به ویژه، در اواخر سده ۲ق و اوایل سده ۳ق بیشتر مسلوک بوده است؟ در بررسی رونق و اهمیت این دو راه نسبت به یکدیگر، منابع شواهدی اندک از مسلوک بودن هر دو راه در اختیار قرار می‌دهند؛ از این رو، شاید نتوان از حیث رفت و آمد در زمان مورد بحث تفاوتی میان این دو راه گذاشت. همچنین ظاهراً به لحاظ امنیت نمی‌توان میان راه‌های یاد شده منتهی به نیشابور در این دوره تفاوتی قائل شد. با این‌همه، اهمیت تجاری راه قهستان و همچنین وجود شواهد بیشتر موجود از رفت و آمد در راه قهستان به سوی نیشابور در طول سده‌های بعد نظر را بیشتر به سوی رونق نسبی راه یاد شده نسبت به راه دیگر معطوف می‌دارد. فارغ از این موضوع، آنچه به تنهایی ما را بر آن می‌دارد که رونق رفت و آمد در راه قهستان را در دوره اسلامی تا حدود سده‌های ۳ و ۴ق پیش‌تر بدانیم، دو گزارش گردیزی و ابن‌فندق در این باره است که یکی از عدم رفت و آمد در راه قومن پیش از حکومت قتیبه بن مسلم (حک: ۸۶-۹۷ق) در خراسان سخن گفته و دیگری به طور کلی، به مسلوک نبودن راه قومن - خراسان در سده‌های نخستین هجری اشاره کرده است.

ورود کاروان رضوی به نیشابور در راه مرو نیز از راه پررفت و آمدتر، راه قهستان صورت پذیرفت. امام جواد (ع) نیز برای زیارت پدر از راه قهستان به خراسان گام نهادند و این در حالی بود که گذر از راه فارس - جبال - قومن به سوی نیشابور امکان ارتباط ایشان با شیعیان‌شان را در شهری مانند قم فراهم می‌ساخت. شاید علت ترک این راه از سوی برخی از مسافران بعد مسافت در آن نسبت به راه قهستان بوده است.

کتابشناسی

- ابن حوقل، *صورة الارض*، بریل، لیدن، ۱۹۳۸-۱۹۳۹م.
 ابن خردادبه، *المسالك و الممالک*، تصحیح: دخویه، بریل، لیدن، ۱۸۸۹م.
 ابن رسته، ابوعلی احمد بن عمر، *الأعلاق النفیسه* (مجلد هفتم)، تصحیح: دخویه، بریل، لیدن، ۱۸۹۲م.
 ابن فندق، ابوالحسن علی بن زید بیهقی، *تاریخ بیهقی*، تصحیح و تعلیق: احمد بهمنیار، کتابفروشی فروغی، بی‌جا، ۱۳۶۱ش.

ابن منور، محمد، *أسرار التوحيد في مقامات الشيخ ابي سعيد*، به كوشش ذبيح الله صفا، اميركبير، تهران، ۱۳۵۴ش.

اصطخري، ابواسحاق ابراهيم، *مسالك الممالك*، تصحيح: دخويه، بريل، ليدن، ۱۹۲۷م. بارتولد، ويلهلم، *جغرافياي تاريخي ايران*، ترجمه همایون صنعتی زاده، بنياد موقوفات دكتور محمود افشار، تهران، ۱۳۷۷ش.

باسورث، كليفورد ادموند، *تاريخ غزنويان*، ترجمه: حسن انوشه، اميركبير، تهران، ۱۳۸۵ش. بختيارى شهرى، محمود، «پژوهشى پيرامون راه هاى باستانى نيشابور به توس»، فصلنامه تحقيقات جغرافيايي، سال ۱۷، ش ۶۵-۶۶، تابستان و پاييز ۸۱ش.

بيهقي، ابوالفضل محمد بن حسين، *تاريخ بيهقي*، تصحيح: على اكبر فياض، دانشگاه فردوسي، مشهد، ۱۳۵۰ش.

تقفي كوفي، ابواسحاق، ابراهيم بن محمد، *الغارات*، تحقيق: سيد جلال الدين محدث ارموي، انجمن آثار ملي، بي جا، بي تا.

جعفرى، جعفر بن محمد بن حسن، *تاريخ يزد*، به كوشش ايرج افشار، تهران، علمى و فرهنگى، ۱۳۸۴ش.

جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام، انصاریان، قم، ۱۳۸۷ش. - جلیلی، مهدی، «پژوهشی درباره طسین»، مقالات و بررسی ها، دفتر ۷۲، زمستان ۱۳۸۱ش.

حاج تقی، محمد، «شجره علمی خاندان اشعری قم»، در علوم حدیث، ش ۵، پاییز ۱۳۷۶ش. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله ابن البیع، *تاریخ نیشابور*، ترجمه و اضافات: محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، تقدیم، تصحیح و تعلیق: محمدرضا شفیعی کدکنی، نشر آگه، بی جا، ۱۳۷۵ش.

حدود العالم من المشرق الى المغرب، تصحیح و تحشیه: مریم میراحمدی و غلامرضا ورهرا، تقدیم: بارتولد، تعلیق: مینورسکی، ترجمه مقدمه و تعلیقات: میرحسین شاه، دانشگاه الزهراء، تهران، ۱۳۷۲ش.

حسینی، محمد باقر، *جا حظ نیشابور*، دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۸۲ش. حمزه اصفهانی، ابوالفرج، *الأغانی*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۵ق.

خسروی، خسرو، «ترشیز»، *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۸۲ش.

خضری، سید احمدرضا، *تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه*، سمت، تهران، ۱۳۸۴ش. -----، و دیگران، *تاریخ تشیع ۲*، سمت، تهران و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۵ش.

خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، تحقیق: بشار عواد معروف، دار الغرب الاسلامی،

- بیروت، ۱۴۲۲ق.
- سمعانی، ابوسعید عبدالکریم، الأنساب، تقدیم و تعلیق: عبدا... عمر البارودی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۹ق.
- سید بن طاووس، سید عبدالکریم بن احمد، فرحہ العری فی تعیین قبر أمير المؤمنين علی(ع)، تحقیق: سید تحسین آل شیبیب الموسوی، مرکز الغدير للدراسات الاسلامیه، بی جا، ۱۴۱۹ق.
- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، مؤسسه النشر الاسلامی، بی-جا، ۱۴۰۵ق.
- ، عیون أخبار الرضا(ع)، تصحیح، تعلیق و تقدیم: حسین الأعلمی، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۴ق.
- شیخ مفید، الإرشاد فی معرفه حجاج الله علی العباد، دار المفید، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- فارسی، عبدالغافر بن اسماعیل، المنتخب من السیاق، انتخاب: ابواسحاق ابراهیم بن محمد صریفینی، به کوشش محمد کاظم محمودی، جامعه مدرسان حوزه علمیه، قم، ۱۳۶۲ش.
- قاضی تنوخی، ابو علی المحسن، الفرج بعد السده، منشورات الشریف الرضی، قم، ۱۳۶۴ش.
- قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، تصحیح و تحشیه: سید جلال الدین تهرانی، توس، تهران، ۱۳۶۱ش.
- گابریل، آلفونس، تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران، ترجمه فتحعلی خواجه نوری، تکمیل و تصحیح: هومان خواجه نوری، ابن سینا، تهران، ۱۳۴۸ش.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی، تاریخ گردیزی (زین الأخبار)، تصحیح، تحشیه و تعلیق: عبدالحی حبیبی، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۳ش.
- لافون و رایینو، صنعت نوغان در ایران، ترجمه و تدوین: جعفر خمami زاده، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۲ش.
- لسترنج، گای، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷ش.
- مایلز، «سکه شناسی»، تاریخ ایران، پژوهش دانشگاه کمبریج، جلد چهارم، گردآورنده: ر. ن. فرای، ترجمه حسن انوشه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۱ش.
- متز، آدام، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علی رضا ذکاوتی قراگزلو، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲ش.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تحقیق: محمد باقر بهبودی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.

مستوفی، حمدالله، *نزهة القلوب (بخش جغرافیایی: مقاله سوم)*، تصحیح: لسترنج، بریل، لیدن، لوزاک (LUZAC) و شرکاء، لندن، ۱۹۱۵م.

مستوفی بافقی، محمد مفید بن نجم الدین، *جامع مفیدی*، به کوشش ایرج افشار، اساطیر، تهران، ۱۳۸۵ش.

مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، *أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم*، تصحیح: دخویه، بریل، لیدن، ۱۹۰۶م.

میرزا ابراهیم، *سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان*، به کوشش مسعود گلزاری، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۲۵۳۵ شاهنشاهی.

ناجی، محمدرضا، *فرهنگ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان*، امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۶ش.

ناصرخسرو، *سفرنامه*، به کوشش محمد دبیر سیاقی، کتابفروشی زوار، تهران، ۱۳۳۵ش.

نظام الملک توسی، ابوعلی حسن بن علی، *سیرالملوک (سیاست نامه)*، علمی و فرهنگی، بی جا، ۱۳۶۴ش.

ویلکینسون، چارلز، «نیشابور از اسلام تا حمله مغول»، *مشکوئه*، ترجمه نسرین احمدیان شالچی، ش ۷۱، تابستان ۱۳۸۰ش.

هجویری، علی بن عثمان، *کشف المحجوب*، تصحیح: والتین ژوکوفسکی، ترجمه مقدمه و فهرس به قلم محمد عباسی، امیرکبیر، بی جا، ۱۳۳۶ش.

یاقوت حموی، ابوعبدالله، *معجم البلدان*، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۹ق.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، *البلدان*، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۲ق.

<http://traveltips.blogfa.com/post-28.aspx>.

http://yazdcity.ir/SC.php?type=component_sections&id=31&t2=DT&sid=535.

